

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۲ خرداد ماه ۱۳۱۷ \*

## فهرست مطالب

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه
- ۳ - بقیه شور اول لایحه اصول محاکمات حقوقی از ماده ۶۲۲ تا ۶۵۰
- ۴ - تصویب مرخصی آقای تولیت
- ۵ - موقع و دستور جلسه آتی - ختم جلسه

(جلسه يك ساعت و ربع پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس روز یکشنبه ۱۵ خرداد ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند \*\*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (گفته شد - خیر)

صورت مجلس تصویب شد آقای وزیر مالیه

[ ۲ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه ]

وزیر مالیه - عرض میکنم برای هتل بهره برداری نوغان همیشه يك وجه متحرکی در دست بوده است که خریداری کنند و بعد بفروشند و سابقاً چون شرکت بود خودش از بانک وام میگرفت ولی حالا که جزو صنعت است لازم است که بتصویب مجلس شورای ملی برسد این است که لایحه برای تصویب این وام در حدود ده میلیون ریال تقدیم میشود که تصویب فرمایند

رئیس - بکمیسیون رجوع میشود

### [ ۳ - بقیه شور اول لایحه اصول محاکمات حقوقی ]

از ماده ۶۲۲ تا ۶۵۰

رئیس - بقیدشور اولی لایحه اصول محاکمات حقوقی از ماده ۶۲۲ قرائت میشود :

ماده ۶۳۲ - هرگاه در ضمن زمیندگی اوضاع و احوالی کشف شود که مربوط به بجنحه یا جنایت و در رأی حکم مؤثر بوده و تفکیک جهت حقوقی از جزائی ممکن نباشد و همچنین در صورتیکه دعوی مربوط ببنکاح یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امریکه راجع بحکمیت شده متوقف بر رسیدگی به اصل

اعین مذاکرات مشروح مجلس روز یکشنبه از دوره یازدهم قانون گذاری

( مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵ )

اداره تند نویسی و تحریر اسودتده مجلس

● اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : قزاقکولو - دکتر ضیاء - مؤیدقوامی

غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر هفتی - ارباب کیخسرو - مشار - تولیت - دبیر سهرابی - پناهی

دبرآمدگان بی اجازه - آقایان : موقر - لبقوانی - دکتر ادهم - همران



نکاح یا طلاق یا نسب بشود رسیدگی حکمها نامعلوم  
حکم قطعی از محکمه صالحه نسبت به موضوع امر  
جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب متوقف مینماید  
رئیس - ماده ۶۳۳ قرائت مشروط

ماده ۶۳۳ - دعوی جعل و تزویر در سند بدون  
تعیین جاعل و مزور و یا در صورتیکه تعقیب جاعل  
و مزور بجتهی از جهات قانونی ممکن نباشد از قبیل  
امور جنحه و جنایت مذکور در ماده قبل نیست  
رئیس - آقای اوحدی

اوحدی - این ماده بعقیده بنده مجمل می آید زیرا  
نوشته شده است که دعوی جعل و تزویر جزو جنحه  
و جنایت مذکوره در ماده قبل نیست . کسی دعوی جعل  
را جنحه و جنایت تعبیر نکرده بود اساساً تا اینکه اینجا  
در این ماده استثناء بشود بنده فهمیدم مقصود از این ماده  
که دعوی جعل و تزویر را استثناً کرده است از ماده  
قبل این از چه نقطه نظر بوده است آیا مقصود این است  
که حکمها بدعوی جعل و تزویر نباید رسیدگی بکنند  
و حق رسیدگی را ندارند و باید قضیه را ارجاع بمحکمه  
بکنند اگر مقصود این است که حق ندارند این ماده  
صریح نیست در اینکه حکمها در دعوی جعل و تزویر  
حق رسیدگی ندارند و اگر مقصود این است که حق  
رسیدگی دارند باز این ماده صراحت در این حکم ندارد  
که حکمها حق رسیدگی به دعوی جعل و تزویر را  
ندارند باشد از این جهت بنده این نکته را تذکر دادم  
که آقای وزیر عدلیه رفع اجمال این ماده را بفرمایند  
که مقصود چیست و برای چه این ماده جزء قانون  
حکمیته آمده است و حال آنکه دعوی جعل و دعوی  
تزویر یک دعوی است که اگر هر محکمه حکمی بدهد  
که دعوی جعل شده باشد و آن محکمه رسیدگی نکرده  
باشد در دیوان نیز آن حکم را قضا میکنند در ابتدائی  
دعوی جعل بشود محکمه رسیدگی نکرده حکم بدهد  
حکمش در نیز قضا بشود . در محکمه استیفاء

دعوی جعل بکند محکمه رسیدگی نکند در نیز قضا  
میشود . پس يك دعوائی که در دیوان عالی نیز قضا  
میشود . این چطور در موقع رسیدگی حکمیت نباید  
منشأ اثر واقع شود

مؤید احمدی - عرض کنم ماده ۶۳۲ در نظر گرفته  
است که هرگاه در ضمن رسیدگی حکمها معلوم  
شود که حکایت جعل و تزویر در کار است . البته  
حکم شایستگی برای رسیدگی بکار جعل و تزویر  
را ندارد محکمه خاصی دارد که باید رسیدگی کند که  
به بند این سند جعل است یا نه و پس از آنکه این رأی  
صادر شد آنوقت حکمها باید در قسمت حقوقی اظهار  
رأی بکنند البته حکمها ولو اشخاص خوب و با سواد  
هم باشند لیکن تشخیص جنایت مال محکمه خاص است  
حکم نمیتواند رسیدگی در کار جنائی کند و اما قسمت  
دوم فرقت با اول این است در قسمت اول جاعل معین  
شده که فلان آدم فلان سند را جعل کرده است شخصش  
هم معلوم است او را میرند بمحکمه جنائی و رسیدگی  
میکند و نتیجه را میگیرند ولی در قسمت دوم فرض این  
است که جاعل معین نشده است . سند را تکذیب کرده ولی  
جاعل را معین نکرده است چون کسی نیست که بمحکمه  
جنائی ببرندش از این جهت حکمها رسیدگی میکنند  
این ماده میخواهد بگوید که در صورتیکه مدعی جعل  
و تزویر شده است لیکن جاعل و مزور معلوم نشده  
است این قسمت مشمول ماده ۶۳۲ نمیشود چون جاعل  
معرفی نشده است اگر جاعل و مزور معین شده باشد  
البته او را میرند بمحکمه جنائی و رسیدگی میکنند ولی  
اگر معین نباشد لیکن ادعا کرده است که سند مجعول  
و مزور است اما من جاعل را نمیشناسم که را بمحکمه  
ببرند ؟ کسی نیست که بمحکمه جنائی برود . موضوعی  
نیست که بمحکمه برود از این جهت ماده پیش بینی  
کرده است که اگر جاعل و مزور معلوم نباشد در این  
مورد تکلیف چیست چون مشمول ماده قبل نیست اینجا

باید حکم رسیدگی کند در قسمت حقوقی نه در قسمت  
جعل و تزویرش برای اینکه او صالح نیست دیگر  
رئیس - آقای اوحدی

اوحدی - فرمایشات آقای مخبر کمیسیون بنده را  
قانع نکرد زیرا عرایض بنده این نبود که دعوی جعل با  
تعیین جاعل اگر باشد چه تکلیفی دارد . زیرا تکلیفش  
در ماده قبل معین شده بود بنده فقط روی ماده ۶۳۳ عرض  
کردم که نوشته است دعوی جعل و تزویر از قبیل  
جنحه و جنایت نیست این بیان برای چیست ؟ هر ماده  
قانونی البته باید یا يك حکمی را بیان کند یا يك  
تکلیفی را بیان کند . این چه حکمی است و چه تکلیفی  
است اگر حکم است که حکمی درش نیست اگر تکلیف  
است که تکلیفی درش نیست میگوید این جزو آن نیست  
خوب نباشد ولی بیان این ماده برای چیست ؟ باید  
رسیدگی کند یا نه ؟ در این ماده لازم بود تصریح بشود  
که حکم بهمان دعوی جعل خودش رسیدگی کند که  
حکم بداند بدعوی جعل حق رسیدگی را دارد . اگر  
هم رسیدگی به دعوی جعل همانطور که آقا بیان  
کردند محکمه خاصی لازم دارد یا از وظائف محکمه  
است این هم تصریح بشود و اشاره بشود که دعوی جعل  
و تزویر را حکم رجوع میکند بمحکمه ولی این جا  
نه رجوع کرده است بمحکمه نه رجوع کرده است  
بخود حکم که خودش رسیدگی بکند بنابراین این ماده  
بحال اجفال باقی است و بیانات آقای مخبر بنده را  
قانع نکرد

وزیر عدلیه - بیانات آقای مخبر گمان میکنم  
کافی بود ولی شاید آقای اوحدی درست توجه نکردند  
بصحت ایشان و بنده يك جمله توضیح ایشان اضافه می  
کنم که قانع بشوند . تناسیب ماده ۶۳۲ با ۶۳۳  
باصطلاح تناسیب عموم و خصوص است يك حکم عامی  
در ماده ۶۳۲ گنجانده شده است که اگر در ضمن  
رسیدگی حکمها برخوردند يك امر جنحه و جنایت

و نتوانستند این امر را از امر حقوقی تفکیک نمایند  
باید دست نگاه دارند و امر جزائی را بفرستند بمحکمه  
صلاحیت دار و رسیدگی بشود وقتی که تکلیفش معین  
شد اگر آن سند جزائی مجعول در آمد که يك تکلیفی  
دارد اگر نه که بر میگردد پیش حکم و مطابق مقررات  
رسیدگی می شود اما ماده ۶۳۳ میخواهد يك تکلیف  
مخصوصی را بگوید نسبت بامور جزائی . چون ممکن  
است مهم برود ادعای جعل نسبت بسندی بکند بدون  
تعیین جاعل یا با تعیین جاعل ولی جاعل مرده باشد  
و بگوید این سند مجعول است که ابراز شده است ولی  
جاعلش مرده است . خوب وقتی جاعلش مرده باشد  
که قابل تعقیب نیست مطابق اصول محاکمات جزائی  
جرم نفوت مجرم ساقط میشود این جا راست است جزائی  
است این جعل و تزویر ولی وقتیکه تعیین جاعل نشد  
آن جزائی بمعنی خاص نیست که قابل تعقیب جزائی در  
محکمه جزا باشد این جا خواستیم این توهم را رفع کنیم  
و این حکم خاصی که در ماده ۶۳۳ گنجانده شده  
است مربوط بموم ماده ۶۳۲ نیست و آن استفاده ازش  
نشود و اینطور استنباط نشود که بمحض اظهار جعل بدون  
تعیین جاعل که قابل تعقیب نیست یا بواسطه مرور زمان یا  
جهات دیگر این موارد را دیگر نباید در نظر بگیرد حکم  
و تأمل بکند و باستناد ماده ۶۳۲ از رسیدگی خودداری  
کند و این قسمتی که در بیان خودشان توضیح دادند  
که اگر تعیین جاعل شد تکلیفش معلوم نیست تصریح  
لازم ندارد اما وقتی که پیش حکمها نسبت بسندی  
تعیین جاعل کردند از روی حکم حکمها باید بمحکمه  
جزا احاله شود و دیگر در اینجا تصریح لازم ندارد

رئیس - ماده ۶۳۴  
ماده ۶۳۴ - حکم قطعی مذکور در ماده ۶۳۲  
بتوسط محکمه ارجاع کننده دعوی بحکمیت به حکم  
ابلاغ میشود و آنچه از مدت حکمیت از زمان توقیف  
رسیدگی حکمها باقی بوده از تاریخ ابلاغ حکم  
مزبور حساب میشود و هرگاه دعوی بدون طرح در



محکمه حکم ارجاع شده باشد حکم قطعی در هر یک از امور منتهی که در ماده ۶۳۲ به درخواست یکی از طرفین محکمه که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را دارد ابلاغ مینماید و حکمها نمیتوانند برخلاف مفاد حکمی که در امر جزائی به نکاح باطلاق یا نسب صادر شده رأی بدهند

رئیس - ماده ۶۳۵ - در موارد زیر حکمت از بین میروند:

۱- در صورت نراضی گنبدی طرفین  
۲- در صورت فوت یا حجر یکی از طرفین

رئیس - ماده ۶۳۶ - حکمها در رسیدگی و رأی تابع اصول محاکمه نیستند ولی باید شرایط قرارداد حکمت را رعایت کنند

رئیس - ماده ۶۳۷ - رأی حکم باید موجه بوده و مخالف با قوانین موجود حق نباشد

رئیس - ماده ۶۳۸ - در صورتیکه حکمها اختیار صلح داشته باشند میتوانند دعوی را بصلح خاتمه دهند در این صورت صلح نامه که بامضاء حکمها رسیده قابل اجرا خواهد بود

رئیس - ماده ۶۳۹ - اگر یکی از حکمها در جلسه که بر آن رسیدگی یا مشاوره مین شده حاضر نشود یا حاضر شده و از دادنه رأی امتناع نماید رأی که با کثرت صادر میشود مناط اعتبار است هر چند که در قرارداد حکمتی اتفاق شرط نشده باشد عدم حضور یا امتناع حکم از دادنه رأی یا از امضاء آن باید در ورقه حکم قید شود

رئیس - ماده ۶۴۰ - در صورتیکه دعوی در مرحله تیزه باشد رجوع به حکمت شده باشد درخواست اجراء و تصحیح حکم و همچنین حکم به بطلان آن باید از محکمه بعول آید که حکم مورد استدعای تیزه را داده است

رئیس - ماده ۶۴۱ - هرگاه محکوم علیه تا ده روز بعد از ابلاغ حکم یا طوعاً حکم را اجرا نکرد محکمه ارجاع کننده دعوی به حکمت و یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد مکلف است بدخواست طرفه ذینفع برطبق رأی حکم ورقه اجرائیه صادر کند

رئیس - آقای اوجدی - اوحدی بنده يك نكته مختصری را خواهم تذکراً بعرض آقای وزیر عدلیه برسانم و آن این است که هم در این ماده بخصوص و هم در مواد دیگر اشاره شده است اینکه رأی حکم را یا محکمه ارجاع کننده و یا محکمه صلاحیت دار ابلاغ و اجرا نماید يك فرضی هست که این ماده اشاره بآن فرض ندارد و همچنین مواد دیگر و آن فرض این است که يك وقت در خارج بحکم ماده اول حکمت طرفین دعوی طبق قرارداد حکمت يك اشخاصی نراضی می کنند که موضوع مختلفه بین آنها را حکم رسیدگی کند و رأی بدهد و حکمها طبق آن قرارداد و نراضی بموضوعات مختلفه دعوی رسیدگی کردند و رأی دادند . این رأی حکمها دارای قسمتهای مختلفه است هم منقول هم غیر منقول منقول در حوزه های متعدد ابتدائی غیر منقول در حوزه های متعدد ابتدائی این رأی حکم را کدام يك از این محاکم اجرا میکند . محکمه صلاحیت دار پنج تا شش تا میشود

رئیس - ماده ۶۴۲ - هرگاه طرفین رأی حکم را باتفاق بعضاً یا کللاً رد کنند آن رأی در قسمت مورد اتقایی بلا اثر خواهد بود

رئیس - ماده ۶۴۳ - تصحیح حکم قبل از اقبضه مدت حکمت با حکم و بطل از اقبضه مدت با محکمه صلاحیت دار است

رئیس - ماده ۶۴۴ - در موارد زیر رأی حکم اساساً باطل و غیر قابل اجرا است

نظرد آنجا مستلزمه نظرد آنجا ده دارد آنجا فلان چیز دارد - روی همه اینها حکم رأی داده است حالا باید محکمی صلاحیت دار رسیدگی کند . محکمه صلاحیت دار شیراز است ؟ اصفهان میگوید من هم هستم . محکمه صلاحیت دار اصفهان است ؟ بزرگ هم میگوید من هستم پس کدام يك از این محاکم صلاحیت دار است و باید باین موضوع رسیدگی کند . این قانون از این حیث هم بنظر بنده ناقص است . این ماده که اینجا اشاره میکند که اجرای حکم با محکمه ارجاع کننده حکم به حکمت با محکمه ایست که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را دارد ولی این قضیه تذکری بنده که نه محکمه ارجاع کننده است و نه محکمه مختصی است که او صالح باشد و محاکم متعدده است در این مورد این رأی حکم چه میشود ؟

وزیر عدلیه - محکمه که صلاحیت رسیدگی دارد که اینجا نوشتیم کافی است و در این فرضی هم که کردند ممکن است که ما قائل به تفکیک شویم هر محکمه در قسمت خودش ورقه اجرائیه صادر کند و عملاً هم همینطور میشود وقتی يك ملک در يك محلی باشد ورقه اجرائیه اش از طرفه محکمه که در همان محل است صادر میشود

رئیس - ماده ۶۴۲ - هرگاه طرفین رأی حکم را باتفاق بعضاً یا کللاً رد کنند آن رأی در قسمت مورد اتقایی بلا اثر خواهد بود

رئیس - ماده ۶۴۳ - تصحیح حکم قبل از اقبضه مدت حکمت با حکم و بطل از اقبضه مدت با محکمه صلاحیت دار است

رئیس - ماده ۶۴۴ - در موارد زیر رأی حکم اساساً باطل و غیر قابل اجرا است

۱- در صورتیکه رأی مخالف با قوانین موجود حق باشد

۲- وقتی که حکم نسبت بمطلبی که موضوع حکمت نبوده است رأی داده یا رأی حکم پس از اقبضه مدت حکمت صادر شده باشد

۳- در صورتیکه رأی حکم با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوی در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و جهت از جهات قانونی از اعتبار نیفتاده است مخالف باشد

۴- هرگاه حکم خارج از حدود اختیار خود رأی داده باشد فقط آن قسمتی از رأی که خارج از حدود اختیار حکم بوده باطل است

رئیس - ماده ۶۴۵ - در مورد ماده فوق هر يك از طرفین میتواند از محکمه که دعوی را ارجاع به حکمت کرده یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد حکم به بطلان رأی حکم را بخواهد در این صورت محکمه مکلف است بدخواست رسیدگی کرده هرگاه رأی بر طبق ماده فوقی باطل باشد حکم به بطلان آن بدهد و رسیدگی باصل دعوی تا قطعی شدن حکم به بطلان رأی حکم متوقف مینماید

رئیس - ماده ۶۴۶ - در مورد ماده قبل هرگاه ورقه اجرائیه صادر شده باشد محکمه باید فوراً و قبل از تعیین جلسه بدلائل درخواست کننده توجه کرده و هرگاه دلایل را قوی یافت قرار دادی بوقت توقیف عملیات اجرائیه صادر نمیشود

رئیس - ماده ۶۴۷ - در صورتیکه دعوی در مرحله تیزه باشد رجوع به حکمت شده باشد درخواست اجراء و تصحیح حکم و همچنین حکم به بطلان آن باید از محکمه بعول آید که حکم مورد استدعای تیزه را داده است

رئیس - ماده ۶۴۸ - در صورتیکه دعوی در مرحله تیزه باشد رجوع به حکمت شده باشد درخواست اجراء و تصحیح حکم و همچنین حکم به بطلان آن باید از محکمه بعول آید که حکم مورد استدعای تیزه را داده است

رئیس - ماده ۶۴۹ - در صورتیکه دعوی در مرحله تیزه باشد رجوع به حکمت شده باشد درخواست اجراء و تصحیح حکم و همچنین حکم به بطلان آن باید از محکمه بعول آید که حکم مورد استدعای تیزه را داده است

رئیس - ماده ۶۵۰ - در صورتیکه دعوی در مرحله تیزه باشد رجوع به حکمت شده باشد درخواست اجراء و تصحیح حکم و همچنین حکم به بطلان آن باید از محکمه بعول آید که حکم مورد استدعای تیزه را داده است

رئیس - ماده ۶۵۱ - در صورتیکه دعوی در مرحله تیزه باشد رجوع به حکمت شده باشد درخواست اجراء و تصحیح حکم و همچنین حکم به بطلان آن باید از محکمه بعول آید که حکم مورد استدعای تیزه را داده است

رئیس - ماده ۶۵۲ - در صورتیکه دعوی در مرحله تیزه باشد رجوع به حکمت شده باشد درخواست اجراء و تصحیح حکم و همچنین حکم به بطلان آن باید از محکمه بعول آید که حکم مورد استدعای تیزه را داده است

رئیس - ماده ۶۵۳ - در صورتیکه دعوی در مرحله تیزه باشد رجوع به حکمت شده باشد درخواست اجراء و تصحیح حکم و همچنین حکم به بطلان آن باید از محکمه بعول آید که حکم مورد استدعای تیزه را داده است

رئیس - ماده ۶۵۴ - در صورتیکه دعوی در مرحله تیزه باشد رجوع به حکمت شده باشد درخواست اجراء و تصحیح حکم و همچنین حکم به بطلان آن باید از محکمه بعول آید که حکم مورد استدعای تیزه را داده است

رئیس - ماده ۶۵۵ - در صورتیکه دعوی در مرحله تیزه باشد رجوع به حکمت شده باشد درخواست اجراء و تصحیح حکم و همچنین حکم به بطلان آن باید از محکمه بعول آید که حکم مورد استدعای تیزه را داده است



ماده ۶۴۸ - رأی حکم فقط کوباره طرفین دعوی و اشخاصیکه دخالت و شرکت در تعیین حکم داشته و قائم مقام آنان نافذ است و نسبت باشخاص خارج تأخیری نخواهد داشت

رئیس - ماده ۶۴۹

ماده ۶۴۹ - حق الزحمه حکم اختصاصی هر يك از طرفین بعهده خود آن طرف و حق الزحمه حکم مشترك بعهده طرفین است که باید بالمناصفه پردازند بجز اینکيه در قرارداد حکمیت ترتیب دیگری برای پرداخت حق الزحمه مقرر شده باشد

رئیس - ماده ۶۵۰

ماده ۶۵۰ - حق الزحمه حکمیت ناصد هزار ریال مدعی به پنج درصد نسبت بمآزاد از صد هزار ریال تا پانصد هزار ریال مدعی به سه درصد نسبت بمآزاد پانصد هزار ریال دو درصد مدعی به میاشد

رئیس - آقای اوحدی

آقای اوحدی - در این قانون حکمیت اختیارات حکم در رسیدگی بموضوعات مورد اختلاف زیاد است یعنی هم داری امور مالی است هم امور غیر مالی ولی در تعیین حق الزحمه قضیه آمده است روی امور مالی و گفته شده است در این ماده که حق الزحمه حکمیت ناصد هزار ریال مدعی به پنج درصد و نسبت بمآزاد سه درصد باید

دادند شود و چه میزان باید داده شود بقیده بنده در این قسمت هم این قانون ناقص بنظر می آید و اگر آقای وزیر عدلیه لظفاً برای تکمیل این قانون موافقت فرمایند که اضافه شود باین ماده که حق الزحمه حکمیت امور غیر مالی و یا مدعی بهی که بتواند قیمت آنرا

بهر حکم نمیشود چنانچه در ماده بعد بیان خواهد شد حق حکم در اینجا از کجا داده خواهد شد یا یک قسمتهای دیگری که قابل تقویم نیست حق حکم از کجا باید داده شود و چه میزان باید داده شود بقیده بنده در این قسمت هم این قانون ناقص بنظر می آید و اگر آقای

وزیر عدلیه لظفاً برای تکمیل این قانون موافقت فرمایند که اضافه شود باین ماده که حق الزحمه حکمیت امور غیر مالی و یا مدعی بهی که بتواند قیمت آنرا

معین کرد چنانچه این پیش بینی ها برای محاکم حقوقی شده است برای حکمیت هم بشود که خود محکمه يك حق الزحمه را برآورد کند و در قرارداد حکمیتش برای حکمها در نظر بگیرد

وزیر عدلیه - پیشنهاد فرمایید مطالعه شود

رئیس - ماده ۶۵۱

ماده ۶۵۱ - در صورتیکه حکم متعدد باشد حق الزحمه حکمیت بالسویه بین آنها تقسیم میشود

رئیس - ماده ۶۵۲

ماده ۶۵۲ - هر گاه بین حکم و اصحاب دعوی قراردادی در خصوص میزان حق الزحمه شده باشد مطابق قرارداد عمل میشود مشروط باین که زاید از میزان مذکور در ماده ۶۵۰ نباشد

رئیس - ماده ۶۵۳

ماده ۶۵۳ - محکمه ای که دعوی را ارجاع بحکم کرده مکلف است حق الزحمه حکم را وصول و ایصال نماید

رئیس - ماده ۶۵۴

ماده ۶۵۴ - دعاوی مذکوره زیر قابل ارجاع به حکمیت نیست

۱ - دعوی ورشکستگی

۲ - دعاوی راجعه به اصل نکاح و طلاق و فسخ نکاح و نسب

رئیس - ماده ۶۵۵

ماده ۶۵۵ - در مورد اختلافات بین زن و شوهر راجع بسوء رفتار و عدم تمکین و نفقه و کسوه و سکنی و نیز هزینه طفلی که در عهده شوهر و در حضانت زن باشد از طرف هر يك از زوجین طرح شود محاکم میتوانند بدرخواست هر يك از طرفین دعوی را ارجاع بحکمیت نموده و در صورت عدم تراضی آنها در تعیین حکم الاقل دو نفر را از بین اقرباء طرفین و در صورتیکه در محل سکونت خود اقرباء نداشته باشند از اشخاصیکه با آنها معاشرت و دوستی دارند تعیین میکنند حکمها

مکلفند حتی الامکان سعی در اصلاح بین زوجین نموده و در صورتیکه قادر باصلاح نشوند رأی خود را در تشخیص ذی حق بودن یکی از طرفین و تعیین میزان هزینه زن یا طفل در صورتیکه موضوع دعوی هزینه زن باشد بمحکمه تقدیم دارند

اگر بین حکمها ( در صورتیکه عده آنها زوج باشد) توافق نظر حاصل نشود آنها میتواند یکفر را بعنوان حکم ثالث بتراضی انتخاب نمایند و چنانچه در تعیین حکم ثالث تراضی نشود محکمه بقرعه تعیین مینماید و در این صورت اکثریت آراء آنها مناط اعتبار است - محکمه در انتخاب حکمها باید انصاف آنها را بحسن اخلاق رعایت نماید

هر يك از طرفین میتواند در صورتیکه از رأی حکمها شکایت داشته باشند اعتراضات خود را در طرف یکمه بعد از ابلاغ رأی بمحکمه بدهد و محکمه در صورتیکه اعتراضات را وارد بداند بموضوع رسیدگی کرده حکم میدهد - مرجع دعاوی فوق الذکر محکمه بدایت است و در تقاطعی که محکمه بدایت نباشد محکمه صلح است

رئیس - آقای اوحدی

آقای اوحدی - در قوانین راجع بحکمیت که قبل از این لایحه از مجلس گذشته است ملاحظه شد که يك ماده آن راجع بود به اختلافات مالك و مستأجر مخصوصاً راجع بدکاکین و مغازه ها بنده در این قانون هر چه نگاه کردم تا این جا رسیدم دیدم راجع به این قسمت با اینکه خیلی بقیده بنده اهمیت دارد در این جا ذکر نشده است خواستم این نکته را هم به آقای وزیر عدلیه تذکر بدهم که اگر این ماده که سابقاً از مجلس گذشته است مورد توجه دولت فعلی هم هست این نکته را در این قانون حکمیت هم اضافه فرمایند و در خانم باز استدعا میکنم که در ذیل ماده اضافه فرمایند که پس از این که اعتراضات شد و حکم هم رأی خودش را

داد اشخاص ناراضی چه تکلیف دارند لازم است تکلیف آنها هم در این ماده معین شود یعنی اگر از این حکم بایستی استیناف بدهد باید اینجا اشاره شود که اشخاصی که از حکم این محکمه که بعد از رأی حکم ها صادر شده ناراضی هستند فقط میتوانند استیناف بدهند

وزیر عدلیه - بطوریکه ملاحظه میفرمایند مواد راجع به حکمیت تماش هنوز به مجلس شورای ملی نیامده است و تنه دارد که در گزارش جلسه آینده تقدیم خواهد شد و این موضوع که آقای اوحدی تذکر دادند و در جلسه کمیسیون هم خودمان متذکر شدیم و مذاکره هم کردیم و علت اینکه در اصل لایحه نبوده همان نکته ایست که خودشان گفتند البته در قانون تصرف عدوانی که باعتبار خودش باقی است آن ماده هست منتهی بی تناسب هم نیست که در اینجا برای این که آن ماده اجمال دارد آن ماده را هم بایک تفصیلی در این قانون اصول محاکمات که از هر جهت باید جامع باشد در نظر بگیریم و امیدوارم بلکه برای جلسه آینده بشود در ضمن شور اول این تناقض را که ایشان تذکر دادند و خودمان هم متوجه بودیم گزارش آن تقدیم مجلس شورای ملی بشود

[ ۴ - تصویب مرخصی آقای تولیت ]

رئیس - گزارشی از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است قرائت میشود :

آقای تولیت درخواست پنجروز مرخصی از تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۱۷ نموده اند و مورد موافقت کمیسیون واقع شده اینک گزارش آن عرض میرسد

رئیس - موافقین با مرخصی آقای تولیت قیام فرمایند ( اغلب قیام نمودند ) تصویب شد

[ ۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

رئیس - اگر تصویب میفرمایند جلسه را ختم کنیم جلسه آتیہ روز یکشنبه بیست و نهم سه ساعت قبل از ظهر دستور هم لوایح موجوده ( مجلس بیست دقیقه پیش از ظهر ختم شد ) رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری